



انسانیت

تزکیه باید قبل از تعلیم و تعلم باشد
 امام خمینی
 همه انبیاء و پیامبران برای انسان سازی
 آمدند آنها میخواستند انسانها را از بندها
 و اسارت‌های فکری و نفسانی نجات داده
 انسانی آزاد و آزاده پرورش دهند و در پرتو
 این بازسازی‌ها جامعه‌ای سرشار از قسط و
 عدالت بوجود آورند .
 بنابراین کار مقدس انبیاء در ساختن و

پرداختن انسان‌ها خلاصه میشود .
 این هدف اساسی در خلال همه دستورات
 آنان حتی در قوانین جنگی نیز بچشم
 میخورد ، انبیاء بخاطر کشورگشائی و مسائل
 اقتصادی هیچگاه جنگ نمیپرداختند بلکه
 براساس انگیزه پاسداری از حریم انسانیت و
 آزادی انسانها از قیود ستمکارانه طاغوتیان
 بچنین کاری دست میزدند ، در جنگ‌های
 مسلمانان با ایرانیان سعدابی وقاص فرمانده
 لشکر اسلام گروهی را برای مذاکره با رستم
 فرخزاد گسیل داشت سرکردگی این عده با
 زهره بن عبدالله بود رستم از او پرسید
 هدف شما از جنگ چیست ؟ زهره در پاسخ
 گفت : **وَ أَخْرَاجُ الْعِبَادَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى
 عِبَادَةِ اللَّهِ** : یعنی این جنگ بخاطر آزاد
 ساختن بندگان خدا از بندگی انسانهایی
 مانند خود است و در فراز دیگری فرمود :
وَمِنْ جَوْرِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ : یعنی
 از تعدی و تجاوز ادیان پیشین رها ساخته به
 عدالت و قسط اسلامی راهنمایی کنیم .



در اسلام تزکیه و پرورش پیش از تعلیم و

مجید رشید پور

تعلیم وجود دارد اسلام اول به تهذیب دستور داده پس از آن بفرآگیری علم و دانش تاکید کرده است .

درسوره جمعه آیه ۲ خداوند میفرماید
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
او خدائی است که از میان مردم رسولی را برانگیخت تا آیات الهی را برای آنها خوانده آنان را تزکیه و تهذیب کند و سپس کتاب و حکمت را بآنان بیاموزد گرچه قبلاً در گمراهی آشکاری بسر میبردند از این آیه بخوبی آشکار میگردد که کار اساسی و عمده پیامبران سازندگی انسانها بوده است .

معلمان که کارشان همانند پیامبران بازسازی انسانهاست نمیتوانند از سازندگی دانشآموزان غفلت بورزند چه در چنین صورتی محصول آموزش و پرورش در چهارچوب تیغ دادن در کف زنگی مست خلاصه خواهد شد .

درمدارس علوم اسلامی معلمان از همان آغاز بسازندگی دانشجویان میپردازند شاهد و گواه این واقعیت اینکه همه دانشجویان اسلامی در ابتدائیترین مراحل درسی با حدیث نبوی آشنائی پیدا میکنند که رسول خدا (ص) فرمود : **أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجِبَارِ وَ آخِرُ الْعِلْمِ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَيْهِ** : یعنی آغاز دانش خدانشناسی است خدائی پرتوان ، خدائی جبار و پایان علم واگذاری همه امور

بدست قدرت اوست دانشجویان اسلامی بکمک معلمان خود از آغاز تحصیل به تهذیب اخلاق پرداخته خود را از هوسها نجات داده در سازندگی خود همچنان پیش میروند تا آنجا که همه انانیتها را از دست داده بایمانی سرشار وجوشنده دست یافته قطره وجودشان که هستی نما بود در اقیانوس بیکران هستی مطلق غوطه ور گشته از خود بیخود شده دیگر نام و نشانی از خود نیافته همه امور بخدای لایزال واگذاشته میشود .

چنین دانشجویی همه رفتار و کردارش بخاطر خدا و رضای او انجام میگیرد خواه این کار درس خواندن یا درس دادن باشد .
اما درمدارس جدید متأسفانه در بسیاری از آنها و دانشگاهها این خودسازی وجود ندارد تمام فکرها و همها برای بدست آوردن مدرک تحصیلی دور میزنند و برای وصول باین هدف از هیچ عمل غیر انسانی خودداری نمیکنند حتی در مواردی هم باستاد کشی میپردازند ، بدیهی است پس از تحصیل این مدرک همانند دزدی که با چراغ آید گزیده تر نوامیس و اموال مردم را بغارت و یغما میبرند در چنین محیطهایی چیزی که وجود نداشت ایمان و تقوی بود البته منظور نگارنده نوع دانشجویان است نه عموم چه در همان دوره طاغوت هم باز افراد مندینی از دختر و پسر بودند که برخلاف جو عمومی دانشگاه به همراه تحصیل بازسازی خود میپرداختند و پس از

داده بجای خودکفائی تکنیکی روحیه مصرفی را توسعه دهند این فشرده و خلاصه‌ای از سیاست‌های استعماری بود که دانشگاه را از مدارس علوم اسلامی که دانشمندانی همانند ابوعلی سینا و فخر رازی و آخوند ملاصدرا و فیض کاشانی‌ها در آن پرورش یافته بودند جدا ساخت و بوسیله تبلیغات و رسانه‌های گروهی مدارس علوم اسلامی و گردانندگان آن بعنوان قشریون و ارتجاع معرفی گردید .

اتمام تحصیلات دانشگاهی به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان می‌پرداختند ، بدیهی است که اساس دانشگاه بوسیله افراد سرسپرده و غرب زده با نقشه‌های استعمار گرانه طوری تنظیم یافته بود که صد درصد برنامه‌هایش گرایش غرب داشته از اصول و مبانی ایمانی برکنار بود هدف اصلی آن بود که مغزهای مستعد و آماده را بعنوان گوناگون از کشور



کوچکترین نتیجه‌ای که استعمارگران از این همه بی‌مبارگی عایدشان گردید این بود در آن هنگام که ملت ستمدیده قیام کرده نار و بود طاغوتیان را درهم نوردیده حکومت اسلامی را بنیان نهاد دانشگاهی که همه

فراری داده از نیروها و استعداد های آنان بنفع خود بهره برداری کنند و بقیه را با رواج روحیه مدرک گرایی با داراات کشانده با فقدان علم و تکنیک سربار دولت سازند و بجای ابتکار و ابداع صنعت مونتاژ را رواج

میبذیرند ولی هیچگاه نیش زبان و شوخیهای
نیشدار التیام نمیابند .

ممکن است در این باب گفته شود که پس
چرا اسلام بعناوین گوناگون از شوخی کردن
مسلمانان را باز داشته است بعنوان مثال
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : **كَثْرَةُ
الْمَرَاخِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَكَثْرَةُ الصَّحْكِ تَمُجُّ
الْإِيمَانَ مَجًّا** : یعنی زیاده روی در شوخی
وقار و ابهت آدمی را بیاد میدهد بدیهی
است که شوخی کردن همانند نمک طعام است
اگر بمقدار ضرور و لازم بکار گرفته شود باعث
خوشطعمی غذا خواهد بود ولی اگر بمقدار
زیاد از آن بهره گرفته شود لامحاله زیان آور
خواهد بود .

در همه روایاتی که از شوخی کردن بنوعی
مذمت شده همه مربوط به زیاد شوخی کردن
است نه اصل شوخی .

بنابراین باید مسلمانان بکوشند گشاده رو
بوده برای ایجاد سرور و شادی در مواردی
شوخیهای نمکین انجام داده و از زیاده روی
در آن بپرهیزند که ابهت و وقار آدمی را
بیاد میدهد ضمناً از شوخیهایی که بعنوان
عقدہ گشائی و تحقیر و توهین بدیگران است
جدا خودداری نمایند که پیشوایان دین ما
فرموده اند : **كِه الْمَرَاخُ السَّبِيحُ الْأَصْفَرُ** : یعنی
شوخی کردن یکنوع دشنام دادن کوچک است

مخارج آنرا طبقات مستضعف متحمل بودند
از زن و مرد و کارگر و بازاری این ملت جدائی
گزیده بکارشکنی و تفرقه اندازی پرداختند تا
تداوم انقلاب را که صدها هزار شهید داده
بود از بین ببرند البته ناگفته نماند که
دانشجویان با ایمان دانشگاهها بصوف ملت
پیوسته در تمام مبارزات مردانه کوشیده و از
هیچگونه جانبازی و فداکاری دریغ نورزیدند
همه این بدیختیها معلول این نکته بود که
انسان سازی و ایمان و تقوی را از محیط های
آموزشی ما کنار زده بجای آن غرب زدگی
و فساد اخلاق و روح مادیگری را رواج داده
بودند .

امروزه مسئولین انقلاب فرهنگی باید توجه
داشته باشند باید در بازگشائی دانشگاهها
برنامهها را طوری تنظیم دهند که هدف
اساسی دانشگاهها انسان سازی باشد جامعه ما
امروزه احتیاجی که با ایمان و تقوی دارد از
نیازی که بآب و نان و هوا دارد بیشتر است
امروزه جامعه ما با افراد مکتبی و با ایمان
احتیاج دارد که انقلاب ما را تداوم بخشند
از این گذشته در سایه ایمان و تقوی میتوان
احساس مسئولیت کرده خویش را بخود کفائی
رسانید .

در خاتمه فراموش نکنیم بنیانگذار انقلاب
ما فرمود که تزکیه باید قبل از تعلیم و تعلم
باشد زیرا انقلاب از عمق ایمان جوشیده و
تداوم آن نیز وابسته بدان است .